



HomePage: https://jhistory.um.ac.ir/	Vol. 54, No. 1: Issue 108 Spring & Summer 2022, p.117-141	
Online ISSN: 2538-4341	Print ISSN: 2028-706x	
Received Date: 21-05-	Revised Date: 23-10-2022	Accepted Date: 12-11-2022
DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2022.76811.1137	Article type: Research Article	

A Critical Reading of Ibn Ḥabīb's Works, focusing on *Al-Munammaq* and *Al-Muḥabbar*

Dr. Shahla Bakhtiari (Corresponding author)



, Associate Professor, Department of History, Literature Faculty, Alzahra University, Tehran, Iran

Sh.bakhtiari@alzahra.c.ir

Roya Mashmouli Pilehroud, MA graduate, History of Islam, Department of History, Literature Faculty, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

Muḥammad b. Ḥabīb is a third century A.H./ninth century A.D. historian, whose two prominent works, *Al-Munammaq fi'l 'Akhbār Quraysh* and *Al-Muḥabbar*, are useful sources in the study of the history of pre-Islamic and Islamic eras.

The present study aims at critically analyzing the author's opinion and his two great works. The critical approach towards Ibn Ḥabīb (as a Muslim narrator) and his works (as remarkable works in the history of *Jāhiliyyah* and Islam) help us in understanding his methods in the historiography of Islam.

Research shows that Ibn Ḥabīb explores and provides reports from *Jāhili* traditions like *Munāfirih* and *Jār* in the history of *Jāhiliyyah*. He was especially meticulous in recording the names of people and their lineages, tools, and animals (like horses). In this regard, Ibn Ḥabīb provides reports that cannot be found elsewhere.

Some of the weaknesses of these two works are a lack of organization and cohesion in compiling the Reports, as well as a summarized narration. The most important point regarding Ibn Ḥabīb's historiography is his trustworthiness and his providing the chain of isnād. This is especially true regarding the history of *Jāhiliyyah*, where most information has been recorded with citations to Ibn Ḥabīb's own teacher, Ibn Hishām.

Eventually, the writers of this article, based on an analysis of the content of his works, deny the commonly held belief that Ibn Ḥabīb was a Shī'ā Muslim.

Keywords: bibliography, Ibn Ḥabīb, *Al-Munammaq*, *Al-Muḥabbar*, pre-Islamic history, *Quraysh*



سال ۵۴ - شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۰۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۴۱ - ۱۱۷	HomePage: https://jhistory.um.ac.ir
شاپا چاپی x ۷۰۶ - ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱ - ۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱	DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2022.76811.1137
نوع مقاله: پژوهشی	

بررسی انتقادی آثار ابن حیب، با تأکید بر المُنَمَّق والمُحَبَّر

دکتر شهلا بختیاری (نویسنده مسئول)



دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

Sh.bakhtiari@alzahra.c.ir

رویا مشمولی پيله رود

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

محمد بن حبيب از مورخان سده سوم هجری است که دو اثر مهم وی المُنَمَّق فی أخبار قریش و المُحَبَّر از منابعی هستند که برای مطالعه و بررسی تاریخ پیش و صدر اسلام به کار می‌آیند. این پژوهش به بررسی و نقد دیدگاه نویسنده و این دو اثر بزرگ پرداخته است. نگرش انتقادی آثار ابن حبيب به عنوان یک راوی مسلمان و همچنین آثار او به عنوان روایت‌هایی که در تاریخ جاهلیت و اسلام مورد توجه هستند، به شناخت روش وی در تاریخ‌نگاری اسلام کمک می‌کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ابن حبيب در تاریخ جاهلیت به سنت‌های جاهلی مانند منافره و جار پرداخته و گزارش‌هایی آورده است. وی در تاریخ جاهلیت و اسلام نسبت به ثبت نام و نسب افراد و ابزارآلات و یا حیوانات (مانند اسب) دقت فراوانی داشته و گزارش‌هایی در این باره آورده که در دیگر منابع دیده نمی‌شود. فقدان نظم و انسجام در تدوین اخبار، همچنین روایات خلاصه‌وار از کاستی‌های این دو اثر است. مهم‌ترین نکته در تاریخ‌نگاری وی، رعایت امانت‌داری و ارائه سلسله اسناد است، به‌ویژه در حوزه تاریخ جاهلیت که بیشتر مطالب خود را به استناد استاد خود ابن هشام ثبت کرده است. در نهایت نگارندگان این پژوهش در مورد مذهب ابن حبيب که به تشیع منسوب شده است، را با توجه به بررسی‌های محتوایی آثار وی رد می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: منبع‌شناسی، ابن حیب، المُنَمَّق، المُحَبَّر، تاریخ پیش از اسلام، قریش.

مقدمه

بررسی انتقادی و نقد منابع و مآخذ تاریخی ارزشیابی و سنجش محتوایی آن‌ها، پاسخگوی پرسش‌های محققان درباره مورخان و آثار آن‌هاست. ارزیابی و نقد منابع مطالعاتی تاریخی سبب شناخت نقاط قوت و ضعف و همچنین نوع دیدگاه و نگرش مورخان خواهد شد. در این میان نقد منابع تاریخی کهن جهت بهره‌برداری و شناخت بیشتر نویسندگان و آثارشان اهمیت بیشتری می‌یابد.

ابن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵ق) یکی از مورخان است که آثار بسیاری تألیف کرده است. دو کتاب المُنَمَّق و المَحَبَّر او مهم‌ترین آثار مورد توجه همه مورخان و محققان بوده است. اطلاعاتی درباره تاریخ صدر اسلام و دوره جاهلیت در این دو کتاب آمده است که مرجع آثار بسیاری پس از خود بوده است. همچنین توجه ویژه مؤلف به تاریخ قبیله قریش و نیز ارائه اسامی و نسب‌نامه‌ها باب جدیدی را برای محقق جهت بررسی حوادث و وقایع این دوره می‌گشاید.

بررسی انتقادی آثار و شیوه تاریخ‌نگاری ابن حبیب فرصتی برای شناخت بیشتر بینش و نگرش وی در نقل و گزارش اخبار خواهد بود. این مهم به ترتیب در دو اثر وی المُنَمَّق و المَحَبَّر بررسی خواهند شد.

پیشینه پژوهش

در مورد ابن حبیب و همچنین دو کتاب مورد نظر این پژوهش، می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد: لیختن شتیر و حمید الله هر دو با ارائه تحقیقاتی از جمله درباره زندگی نامه ابن حبیب و نیز سازماندهی کتاب المَحَبَّر آن را به چاپ رسانیده‌اند. دلاویدا در مقاله «مثنی الشعراء نوشته محمد بن حبیب»،^۱ به بررسی محتوای کتاب وی با عنوان من نسب إلى أمه من الشعراء پرداخته و کتاب جمهره النسب ابن کلبی را از منابع اصلی ابن حبیب در این کتاب دانسته و مهم‌ترین نکته این مقاله بررسی منابع ابن حبیب است. لیختن شتیر در مقاله «ابن حبیب و کتاب المَحَبَّر او»^۲ به بررسی محتوای کتاب المَحَبَّر و ابن حبیب پرداخته است، ویژگی و محتوای اصلی مقاله وی بررسی سلسله اسناد المَحَبَّر و همچنین نام استادان ابن حبیب است. در این مقاله نیز کتاب الجمهره النسب ابن کلبی به‌عنوان منبع اصلی ابن حبیب معرفی شده است. طیاره در مقاله «کتاب المَحَبَّر ابن حبیب و جایگاه آن در نگارش تاریخی اولیه اسلامی»^۳ به بررسی

1. Della Vida, G. Levi "Muhammad ibn Habibs "MATRONYMICS OF POETS", *Journal of the American Oriental Society*, Vol 62, No.3, 1942, pp.156-171. (<https://doi.org/10.2307/594132>).

2. Lichtenstädter, I. (1939). Muḥammad Ibn Ḥabīb and His Kitāb al-Muḥabbar. *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 1, 1-27. <http://www.jstor.org/stable/25201833>.

3. Tayyara, Abed el-Rahman, "Ibn Ḥabīb's Kitāb al-Muḥabbar and its Place in Early Islamic Historical Writing" (2018).

محمد بن حبیب و نگارش تاریخی وی در کتاب المَحَبَّر از نظر ترتیبات روایی زمانی، ساختار موضوعی و پیوند تاریخی می‌پردازد. این مقاله المَحَبَّر را یکی از نخستین تلاش‌های اسلامی برای پیکربندی مجدد مطالب نبوی به صورت زمانی و در نهایت ایجاد پیوندهای موضوعی گسترده‌تر و زمینه‌های تاریخی جهانی معرفی می‌کند. علی عبد مشالی در مقاله «ابن حبیب البغدادی (ت: ۲۴۵ هـ / ۸۵۹ م) دراسة فی منهجة و موترده کتاب المُنَمَّق مثالا»^۱ به زندگی اجتماعی، سیاسی و علمی ابن حبیب پرداخته و پس از آن به بررسی آیات، روایات و اشعار در کتاب المُنَمَّق توجه کرده است. در مقاله شریعت‌نژاد و دیگران، «منبع‌شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (متوفی ۲۴۵ق)»^۲ منابع و راویان آثار ابن حبیب به ویژه دو کتاب المُنَمَّق و المَحَبَّر بررسی شده است. مانده تاج‌بخش، در پایان‌نامه‌ای با عنوان ترجمه و تحقیق کتاب المَحَبَّر تا پایان صفحه ۲۳۵،^۳ به ترجمه این اثر پرداخته است. ویژگی اصلی این پژوهش آن است که با تحقیق و بررسی منابع دیگر همراه است. در پژوهش دیگر، با عنوان «گونه‌شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵ هـ)»^۴ عطیه شریعت‌نژاد کیاسری و دیگران به بررسی انواع نگارش ابن حبیب در آثارش پرداخته‌اند؛ مانند سیره‌نگاری، صحابه‌نگاری و ... آذرتاش آذرنوش در مقاله «ابن حبیب»^۵ زندگی‌نامه ابن حبیب را به طور خلاصه بررسی کرده است. در همه این پژوهش‌ها به بررسی کتاب‌ها و آثار ابن حبیب به ویژه دو کتاب المُنَمَّق و المَحَبَّر که از مهم‌ترین آثار اوست، پرداخته شده است. در این پژوهش به معرفی و بررسی انتقادی دو اثر ابن حبیب (نقد درونی و بیرونی راوی و روایت) پرداخته شده و شیوه تاریخ‌نگاری ابن حبیب در این دو اثر مورد بررسی قرار گرفته است. پیش‌ازاین محققان تنها به طور گذرا به آثار وی و روایات ... پرداخته بودند.

۱- زیست‌نامه ابن حبیب

ابوجعفر محمد بن حبیب (د. ۲۴۵ ق)، مورّخ، نحوی و لغوی، در بغداد زاده شد و در سامرا درگذشت. در

World Languages, Literatures, and Cultures Faculty Publications. 145.

https://engagedscholarship.csuohio.edu/clmlang_facpub/145

۱. عبد مشالی، علی. «ابن حبیب البغدادی (ت: ۲۴۵ هـ / ۸۵۹ م) دراسة فی منهجة و موترده «کتاب المنمق مثالا». القادسیة فی الآداب والعلوم التربویة ۱۵، العدد ۱، (۲۰۱۶): ۷۵-۱۱۸.

۲. شریعت‌نژاد کیاسری، عطیه و دیگران. «منبع‌شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (متوفی ۲۴۵)». پژوهشنامه تاریخ اسلام، ش. ۳۹ (پاییز ۱۳۹۹): ۵۱-۷۰.

۳. تاج‌بخش، مانده. ترجمه و تحقیق کتاب المحبر تا پایان صفحه ۲۳۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده الهیات، راهنما زهرا الهویی نظری، ۱۳۹۰.

۴. شریعت‌نژاد کیاسری، عطیه و دیگران، «گونه‌شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (د. ۲۴۵ هـ)». تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، (بهار و تابستان ۱۴۰۰): ۱۳۰-۱۰۹.

۵. آذرنوش، آذرتاش. «ابن حبیب». در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بخنوردی. تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷.

مورد تاریخ تولد وی اطلاعی در دست نیست. وی به سبب تألیف کتاب المَحَبَّر، مَحَبَّری لقب یافته است.^۱ از زندگی او تقریباً چیزی نمی‌دانیم، مشخص نیست که پدرش چه کسی بوده است. می‌گویند حبیب نام مادر او بود (و به همین جهت آن کلمه را غیر منصرف تلقی کرده‌اند) که شاید پیش از ولادت محمد، از شوی خود جدا شده است.^۲

شغل او را آموزگار به‌ویژه آموزگار کودکان ذکر کرده‌اند. یاقوت از ابن ابی رובה نقل می‌کند که وی در مکتب خود فرزندان عباس بن محمد^۳ را درس می‌داده است و تنها شعری که از وی می‌شناسیم دو بیت در بیان حال نابسامان «معلم» است که بر اثر معاشرت با کودکان عقل خود را نیز از دست می‌دهد.^۴ برخی او را شیعه دانسته‌اند.^۵

می‌توان با توجه به تاریخ درگذشت وی گفت که ابن حبیب تقریباً با ۷ خلیفه عباسی (هادی، هارون الرشید، امین، مأمون، معتصم، واثق و متوکل) هم‌زمان بوده است.

۱-۱- آثار علمی ابن حبیب

در نیمه نخست سده ۳ ق/۹ م کار گردآوری آثار و اخبار و ادب عربی به اوج رسیده و کار تدوین نگارش و ابداع آغاز شده بود. میان دو مرحله گردآوری و تدوین، ابن حبیب و برخی از معاصران وی حلقه پیوند به شمار می‌آیند. از فهرست کتاب‌های او، چنین برمی‌آید که وی علاوه بر جمع‌آوری اشعار و اخبار شعرا به تاریخ و انساب نیز پرداخته و خود نیز به تألیف کتاب‌هایی که از نوآوری تهی نیست، دست‌زده است.^۶ او خود از ابن کلبی (د. ۲۰۶ ق)، ابن اعرابی (د. ۲۲۵ ق)، قطرب (د. ۳۰۶ ق)، ابو عبیده (د. ۲۱۱ ق) و دیگران روایت کرده و سگری (د. ۲۷۵ ق/۸۸۸ م) و ابن ابی عرابه از او روایت کرده‌اند.^۷ این نام‌ها در همه منابع کهن مذکورند، جز نام محمد بن احمد که فقط خطیب بغدادی و سمعانی آورده‌اند.^۸ با ثعلب^۹ (د. ۲۹۱ ق) نیز روابط دوستی داشت.^{۱۰}

۱. سمعانی، الأنساب، ۱۱۱/۱۲.

۲. آذرنوش، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، «ابن حبیب»: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۲۷۶/۲.

۳. ابن حبیب بغدادی، المُنَمَّق فی اخبار قریش، ۶.

۴. یاقوت حموی، معجم الادب، ۲۴۸۰/۶: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۲۴۸۰-۲۴۸۱.

۵. ابن حبیب بغدادی، المَحَبَّر، ۵۰۹.

۶. آذرنوش، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، «ابن حبیب».

۷. یاقوت حموی، معجم الادب، ۲۴۸۱/۶.

۸. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ۱۱۶/۴، سمعانی، الأنساب، ۱۴۴/۳.

۹. ابوالعباس احمد بن یحیی مشهور به ثعلب در سال ۲۰۰ ق در بغداد متولد شد. ده سال نزد ابن اعرابی لغت آموخت. زبان‌شناس برجسته عربی بود که در پایان عمر هم ناشنوا شد. معانی القرآن، اعراب القرآن و... از آثار اوست. فروخ، تاریخ الادب العربی الاصر العباسیة، ۳۷۰/۲.

۱۰. آذرنوش، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، «ابن حبیب».

اهل فن در مورد ابن حبیب یک رأی نیستند؛ صفدی در کتاب خود از قول مرزبانی ذکر کرده است که ابن حبیب آثار دیگران را می‌گرفت و به نام خود می‌ساخت و به‌عنوان نمونه از کتاب اسماعیل بن ابی عبیدالله نام‌برده که ابن حبیب سراسر آن را نقل کرده و سپس نام شعری را که به بی‌تی از ابیات خود شهرت یافته‌اند، به آن افزوده و آن مجموعه را متعلق به خود خوانده است.^۱

به غیر از صفدی، یاقوت حموی، سیوطی^۲ و ابن قاضی شهبه^۳ نیز او را به سرقت ادبی متهم کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد این موضوع چندان مورد تأیید محققان و نویسندگان دیگر نیست، چنان‌که ابوالفرج اصفهانی هفده روایت از روایات فرزددق را از قول ابن حبیب نقل کرده است.^۴

ابن حبیب اگرچه در اخبار و انساب صاحب دانشی گسترده بود، گویا در لغت چندان دستی نداشت. سیوطی می‌گوید که کتاب‌های او را بررسی کرده و در آن‌ها از نظر لغت، خلط و اشتباه فراوان یافته است.^۵ بسیاری از آثار ابن حبیب، کتاب‌های انساب هستند. تقریباً همه کتاب‌ها و رساله‌هایی که از او به چاپ رسیده، در همین زمینه و یا در باب ضبط اسماء است. کتاب‌های شعری هم که او جمع‌آوری، تدوین یا روایت کرده بسیار است. از عناوین کتاب‌های مفقود او می‌توان دریافت که وی در لغت و حدیث و حتی «انواء» آثاری نوشته است. تعدادی از آثار وی بدین قرار است:^۶

- المُنَمَّق و اخبار قریش.
- المَحَبَّر که حاجی خلیفه (۱۲۸/۲) آن را تاریخ الخلفاء نیز خوانده است و به گفته او مطالب این کتاب با المُنَمَّق یکی است.
- المؤتلف و المختلف فی التَّسَبُّب.
- کتاب امهات النبی.
- کتاب قبائل الکبیر و الایام.
- اسماء المغتالین من الاشراف فی الجاهلیة و الاسلام و اسماء من قتل من الشعراء.
- القاب الشعراء و من يعرف منهم بأئمه.
- کنی الشعراء و من غلبت کنیته علی اسمه.

۱. صفدی، الوافی بالوفیات، ۲/۲۴۱.

۲. یاقوت حموی، معجم الادباء، ۶/۲۴۸۱.

۳. سیوطی، بغیة الوعاة، ۳۰.

۴. ابن قاضی شهبه، تراجم طبقات النحاة و الغویین و المفسرین و الفقهاء، ۵۹.

۵. ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ۲۱/۲۰۷، ۲۲۷، ۲۳۴ و ...

۶. سیوطی، المزهر فی العلوم اللغة و انواعها، ۴۱۳.

۷. آذرنوش، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، «ابن حبیب».

– رسالة في اسماء القبائل المتشابهة و غير المتشابهة.

– كتاب من نسب الى امه من الشعراء و ...^۱.

از دو اثر بزرگ وی یعنی المُنَمَّق و المَحَبَّر، از هر کدام فقط یک نسخه خطی برجای مانده است.^۲

۱-۲- استادان و شاگردان ابن حبیب

ابن حبیب نزدیک به چهل سال نزد ابن اعرابی (د. ۲۳۱ق) در بغداد درس خواند.^۳ به غیر از ابن اعرابی در جلسات درس دانشمندانی بزرگ مانند ابن هشام کلبی (د. ۲۰۶ ق)، ابوعبیده (د. ۲۱۱ ق) و ابویقظان (د. ۱۹۰ ق) حضور می‌یافت.

اما از میان همه استادان، ابن هشام بر ابن حبیب تأثیر بیشتری داشت و الگوی ابن حبیب شد.^۴ ابن حبیب بیشتر مطالب المُنَمَّق را از ابن هشام اخذ کرده است.^۵

در مورد شاگردان وی تنها به نام ابی سعید سکری (د. ۲۷۵ق) ابرمی‌خوریم. از مورخان پس از وی به‌عنوان نمونه مسعودی در مروج الذهب بدون واسطه از وی نقل کرده است^۶ و صالحی شامی به‌واسطه مبرد اخباری از او برگرفته و روایت کرده است.^۸

۲- کتاب المُنَمَّق في أخبار قریش^۹

نسخه چاپی که مشخصات آن در پانویس آمده است، در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. احمد فاروق منابع مورد استناد نویسنده را در پاورقی هر صفحه بیان کرده؛ اما کتاب فاقد کتابنامه، فهرست مطالب، اعلام و ... است.

۱-۲- محتوای اثر

باتوجه به معنای واژه المُنَمَّق در فرهنگ‌نامه و لغت‌نامه‌ها که به معنای زینت داده شده است،^{۱۰} المُنَمَّق

۱. آذرنوش، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، «ابن حبیب».

۲. جعفریان، منابع تاریخ اسلام، ۱۶۷.

۳. ابن حبیب، المُنَمَّق في اخبار قریش، ۶.

۴. همو، ۶.

۵. همو، ۶ و ۷.

۶. همو، ۱۲.

۷. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ۴۱/۳.

۸. صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد في سيرة خير العباد، ۳۰۷/۱۱.

۹. این کتاب توسط خورشید احمد فاروق مورد تحقیق و بررسی واقع شده و انتشارات عالم الکتب در بیروت، در سال ۱۴۰۵ هـ ق برابر با ۱۹۸۵ م آن را در یک جلد و ۲۴۰ صفحه چاپ کرده است.

۱۰. ابن منظور، لسان العرب، ۳۶۱/۱۰.

یک اثر ادبی است. اطلاعات کتاب المُنَمَّق به طور عمده دربارهٔ دوران پیش از اسلام قریش یا عهد جاهلی است. کتاب به ترتیب سال‌شمار مرتب نشده است بلکه مجموع روایات دربارهٔ رخداد‌های متفرق مربوط به قریش گردآوری شده است. بیشتر اخبار کتاب المُنَمَّق دربارهٔ قریش و به طور عمده از دوران جاهلیت است. بحث وی با نسب قریش آغاز شده، از فضائل عباس عموی پیامبر (ص) و پس از آن از حلف-الفضول و سایر احلاف (حدود ۲۰ حلف/ حلف قریش الاحابیش^۱ و...) و منافرات (حدود ۸ منافره / منافره عبدالمطلب و حرب بن امیه^۲ و...) سخن گفته شده است. بخش دیگر که در لابه‌لای مباحث آمده، بحث از ایام العرب ویژه قریش (ذکر ما کان بین قریش و کنانهٔ یوم ذات نکیف،^۳ حدیث یوم المشلل،^۴ و هذا یوم بدر،^۵ حدیث یوم فح^۶) است که از نظر تاریخی ارزش فراوانی دارد. اخباری هم به دوره اسلامی اختصاص دارد. به‌عنوان نمونه، بحث‌هایی چون: المؤذون لرسول الله صلی الله علیه و سلم،^۷ المستهزؤن من قریش ماتوا کفاراً بمیتات مختلفات،^۸ المشبهون برسول الله صلی الله علیه و سلم من قریش.^۹

در بخش‌های دیگر به معرفی کوران قریش، چشم‌چپ‌ها، کوسه‌ها و نیز کسانی که مادرشان نصرانی، یهودی، نبطی یا حبشی و سندی بوده‌اند، پرداخته است. اخباری در این کتاب درباره اقدامات زشت صحابه و بزرگان صدر اسلام همچون حد خوردن بعضی از آنان به دلیل شرب خمر^{۱۰} یافت می‌شود که پذیرش آن به دلیل اهمیت و احترام به صحابه و همچنین جایگاه خاندان قریش برای عده‌ای دشوار بوده است، شاید همین مسئله دلیل بی‌توجهی به کتاب المُنَمَّق توسط دانشوران سنی در طول تاریخ باشد.^{۱۱} احمد فاروق در مقدمه المُنَمَّق آورده است که مؤلف کتاب را به‌صورت ابتدایی آماده نموده؛ اما فرصت تنقیح برای او دست نداده است. این امر را می‌توان نقصانی بر آن دانست. پس از مرگ وی یکی از شاگردان^{۱۲} دست‌نوشته استاد را منتشر کرده است. در متن موجود نشانه‌های تعجیل در تصنیف و ضعف تألیف وجود دارد و بعضی عبارات در سراسر متن استفاده شده که سبب کاستی ارزش عبارت شده است.

۱. ابن حیب، المُنَمَّق، ۲۲۹.

۲. ابن حیب، همان، ۹۰.

۳. ابن حیب، همان، ۱۱۳.

۴. ابن حیب، همان، ۱۱۷.

۵. ابن حیب، همان، ۱۲۰.

۶. ابن حیب، همان، ۱۲۳.

۷. ابن حیب، همان، ۳۸۶.

۸. ابن حیب، همان، ۳۸۶.

۹. ابن حیب، همان، ۴۲۴.

۱۰. ابن حیب، همان، ۳۹۴-۳۹۹.

۱۱. ابن حیب، همان، ۱۲، جعفریان، منابع تاریخ اسلام، ۱۷۰.

۱۲. درباره مشخصات شاگرد وی که اقدام به انتشار کرده است، اطلاعاتی در دست نیست.

^۱ برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- و خرج بشر بن أبي خازم حتى تقدم سوق عكاظ فيجد الناس بعكاظ - ص ۱۶۸ - فخرج بشر بن أبي خازم حتى قدم سوق عكاظ فوجد الناس بعكاظ
- ۲- ثم إن الناس تداعوا إلى السلم على أن يدي الفضل من القتلى الذين فيهم - أي الفريقين الفضل على الآخر، ص ۱۸۳- يريد أن يقول: ثم إن الناس تداعوا إلى السلم على أن يدي من عليه الفضل في القتل الفضل إلى أهله.

۱- قال أرتاة ص (۱۰۳) لم يصرح من هو.

۲- الشفاء بنت عبدالله ص (۳۰۲) لم يسق نسب عبدالله.^۲

فاصله زمانی بین روایات کتاب که مربوط به خاندان قریش و دوران جاهلیت است، نزدیک به سه سده تا دوران خلافت متوکل عباسی است. کتاب در دوره عباسیان که از خاندان قریش بودند، تدوین شده و به نظر می‌رسد در این کتاب مناقب، پیرو تمایلات عباسیان نوشته شده است. همچنین بعضی اخبار که ذکر شده با متن کتاب دیگر ابن حبيب (المَحَبَّر) در تناقض است، برای مثال اخباری که در مورد مناقب عباس بن عبدالمطلب ذکر شده است. به طوری که نویسنده پس از بیان نسب قریش، بلافاصله به بیان فضائل عباس بن عبدالمطلب پرداخته است. به طوری که در کتاب دیگرش نامی از عباس بن عبدالمطلب نمی‌برد و تنها به خلفای عباسی اشاره کرده است. در این بخش ابن حبيب راوی خبر را ابن هشام ذکر کرده است.

۲-۲- رویکرد روایی

ابن حبيب در نقل روایات به دنبال علت‌یابی نبوده است. او صرفاً روایتگری بوده که اخبار را از راویان گرفته و گزارش کرده است.

به نظر می‌رسد در المُنَمَّق در عنوان‌بندی و ارائه مطالب پیش‌زمینه ذهنی و گرایش سیاسی به جانب‌داری از قریش داشته است. با بررسی همه متن در هیچ مطلبی اظهارنظری از وی نمی‌بینیم. او روایات را بر مبنای رخدادها به شکل داستان‌گونه گزینش کرده است. بادقت در گزینش روایات، عنوان‌بندی‌ها و تقدم و تأخر مطالب می‌توان به ذهنیت وی دست‌یافت.

۲-۳- مراجع

ابن حبيب در تدوین دو اثر خود از راویان اندکی نقل کرده و در این کار نیز بیشتر از منابع مکتوب استفاده کرده است. محققان آورده‌اند که عدم تعهد ابن حبيب به ذکر اسانید به منزله بی‌اعتبار بودن نوشته-

۱. ابن حبيب، المُنَمَّق، ۱۴.

۲. ابن حبيب، المُنَمَّق، ۱۴.

های او نیست. وی در تدوین المُنَمَّق و امدار تک‌نگاشت‌هایی از مشایخ و هم‌عصرانش بوده و از آنجا که درصدد بوده تا تمامی تک‌نگاشت‌های نوشته شده در اخبار قریش را در المُنَمَّق گرد آورد، به نقل خلاصه‌ای از روایات اکتفا کرده است.^۱ استفاده از عباراتی مانند «در کتاب ابو عمرو و شیبانی آمده»^۲ نشان می‌دهد که ابن حبیب در نگارش المُنَمَّق تنها به حافظه‌اش تکیه نکرده و مکتوباتی در اختیار داشته است.

بیشترین مرجع او آثار ابن هشام کلبی بوده است. بادقت به دوره زندگی ابن هشام (د. ۲۰۶ق) و ابن حبیب (د. ۲۴۵ق) می‌توان گفت که گویا ابن حبیب در جوانی در جلسات درس ابن هشام شرکت کرده است و از شنیده‌ها و یادداشت‌های خویش در مطالب کتابش بهره برده است. از ابن هشام آثار زیادی برجا نمانده است، بنابراین اطلاعات ابن حبیب به‌ویژه در مورد تاریخ جاهلیت که تخصص ابن هشام بود، می‌تواند منبع موثقی از شنیده‌هایش^۳ و دست‌نوشته‌ها نزد ابن هشام تلقی شود. همچنین ابن حبیب از ابن اسحاق (د. ۱۵۱ق) نیز روایاتی نقل کرده و نقل از وی به‌واسطه شاگردانش به‌ویژه ابن هشام است.^۴

ابن حبیب در گزارش اخبار احلاف از کتاب الاحلاف عبدالعزیز بن عمران معروف به ابن ابی ثابت (د. ۱۹۸ق) بهره برده است. همچنین در مباحث قصه ایام الفجار، حلف الفضول، داستان زنان قبیله کنانه، رویا جهیم بن الصلت بن مخرمه بن المطلب و المطعمون من قریش بحرب [یوم بدر]^۵ از ابوالبختری وهب بن وهب (د. ۲۰۰ق) نقل کرده است. استفاده ابن حبیب از واژه «قال»^۶ نشان می‌دهد که وی مکتوباتی از ابوالبختری در اختیار داشته و نقل کرده است.

ابن حبیب روایات اندکی را از هیثم بن عدی (د. ۲۰۷ق)^۷ و همچنین مواردی مانند قصه أسد شنوة و بنی عدی عن واقدي و هو يوم نخلة، قصه عمر بن الخطاب مع عمارة بن الوليد عن واقدي و...^۸ را از واقدي (د. ۲۰۷ق) نقل کرده است. ابن حبیب با هر دو هم‌زمان بوده و به‌واسطه آثار مکتوبشان از آن‌ها روایت کرده است.

وی با استاد دیگرش ابو عبیده معمر بن مثنی (د. ۲۱۰ / ۲۱۱ق) در ارتباط بوده است و با کلمه قال به نقل وقایع و اخباری چون جنگ فجار^۹ و باقی ایام العرب از وی پرداخته است.

۱. شریعت‌نژاد، «منبع‌شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (متوفی ۲۴۵)»، ۵۶.

۲. ابن حبیب، همان، ۱۵۴.

۳. ابن حبیب، همان، ۲۲.

۴. ابن حبیب، همان، ۱۹۱.

۵. ابن حبیب، همان، ۱۶۰، ۱۸۶، ۲۲۷، ۳۳۸، ۳۸۹.

۶. ابن حبیب، همان، ۱۷۴.

۷. ابن حبیب، همان، ۲۲۵؛ ابن حبیب، المَحَبَّر، ۲.

۸. ابن حبیب، المُنَمَّق، ۱۲۹-۱۳۱ و ۱۴۲.

۹. همو، ۵۹، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۸۰.

تشابه عناوین آثار ابن کلبی با موضوعات المُنَمَّق و نقل روایاتی از او در همان موضوعات بیانگر تلاش‌های ابن حبيب در گردآوری گزارش‌ها و روایاتی با موضوع قریش در یک اثر بوده است که به دلیل در دسترس نبودن دیگر آثار، اهمیت المُنَمَّق دوچندان می‌شود.^۱

۲-۴- بررسی و نقد درونی راوی و روایت

راوی هر روایت و یا مؤلف هر اثری را می‌توان از حیث علائق، انتظارات، پیش فهم‌ها، نحوه ارتباط وی با راویان و مواردی از این دست مورد بررسی قرارداد که نشان از سوگیری راوی و مشی فکری او است. در واقع با مراجعه به متن روایت‌ها و محتوای آن می‌توان به شناخت و فهمی در مورد نویسنده و منش فکری او رسید.

۱-۴-۲- فهم علائق و انتظارات راوی

سوگیری و قضاوت، نگرش راوی در مورد حوادث و روایات و دید مثبت یا منفی یا نگاه جانب‌دارانه وی نسبت به وقایع از مهم‌ترین بخش‌هایی است که می‌توان در آن علائق و انتظارات راوی را بررسی کرد. بر اساس گزارش‌ها و تحقیقات، می‌توان این دو اثر جامع ابن حبيب را بر اساس موضوع و محتوا به دو گونه اصلی جُنْگ‌نامه‌ای و تک‌نگاری دسته‌بندی کرد. این دو گونه به ارائه فهرستی از نام‌ها یا موضوعاتی در مورد اسامی افراد^۲ اکتفا می‌کنند. در المُنَمَّق علاوه بر ارائه اسامی اخبار تاریخی^۳ هم گزارش شده است که بیشتر آن‌ها در خصوص قبیله قریش است.

ابن حبيب در نقل اخبار و رخدادها مرتب با قبیله قریش در همان ابتدا به نقل نسب قریش پرداخته و آورده که به سبب بعثت پیامبر (ص) از این قبیله، زبان شیوا و همچنین درست‌ترین نسب‌ها، قریش^۴ بر دیگر قبایل برتری دارد. پس از بیان نسب قریش به ترتیب خاص خودش به بیان رخدادهایی که این قبیله در آن حضور یا نقشی (امر المظیبین، ایلاف و...^۵) داشته‌اند پرداخته و در اواسط کتاب نام‌هایی از افراد این قبیله در امور مختلف (کسانی که اسلام آوردند، نام یهودیان و مسیحیان این قبیله، خانه‌ها و...^۶) آورده است؛ بنابراین وی در این اثر به ارائه داده‌ها اکتفا کرده و قضاوت، دید منفی یا مثبت در خصوص رخدادها از وی در این اثر دیده نمی‌شود.

۱. ابن حبيب، المُنَمَّق، ۱۶۰، ۲۲۹؛ ابن هشام، سیره النبویه، ۱۸۴/۱، ۳۷۳.

۲. ابن حبيب، همان، ۳۹۴ تا ۴۲۷.

۳. ابن حبيب، همان، ۱۵۲، ۲۲۱، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۳، ۳۵۷ و... .

۴. ابن حبيب، المُنَمَّق، ۱۹.

۵. ابن حبيب، همان، ۴۱، ۵۰.

۶. ابن حبيب، همان، ۲۴۰، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۲۱ و... .

ابن حبیب به ارائه اطلاعات پشت سرهم اکتفا کرده است. حجم زیادی از متن کتاب با فقدان انسجام مطالب به لحاظ تاریخی و سال‌شمارانه روبروست. او در المُنَمَّق بلافاصله پس از بیان نسب قریش به فضائل ابن عباس پرداخته و یا بحث حلف الفضول را ابتدا و پس از آن حدیث فیل را نقل کرده است. باتوجه به اینکه بیشتر مطالب ذکر شده در المُنَمَّق از نوع و در زمره تاریخ فرهنگی هستند، مطالب به لحاظ فرهنگی (مانند بت‌های قریش^۱) دسته‌بندی شده‌اند. همچنین توجه ابن حبیب به اصول فکری جاهلیت در المُنَمَّق به‌ویژه منافره بیش از همه قابل توجه است. وی نه نمونه منافره^۲ (نزدیک به ۲۰ صفحه) در عهد جاهلیت را پشت سرهم آورده است. لازم به ذکر است که بیشترین منافرات ثبت شده در منابع، مربوط به خاندان هاشمی است، به دلیل اینکه هاشمیان در دوران جاهلیت و به دلیل افتخارات قبیله‌ای در مکه و اطراف آن شهرت داشتند و ظهور پیامبر هم از این خاندان هم بر ابن شهرت افزود،^۳ در نتیجه اغلب قبایل و افراد به دنبال فخرفروشی از طریق منافره بودند. از منافراتی که ابن حبیب به آن‌ها اشاره کرده منافره عبدالمطلب و حرب بن أمیه، منافره عبدالمطلب و ثقیف، منافره هاشم بن عبد مناف و أمیه بن عبد شمس است که در همه این منافرات بنی‌هاشم پیروز و طرف دیگر مغلوب شدند. منافره هاشم بن عبد مناف و أمیه بن عبد شمس از مهم‌ترین منافرات ثبت شده در پیش از اسلام است.^۴

بخش عمده این اثر درباره خاندان قریش است. در سراسر متن می‌توان به موارد بسیاری از اخبار و اطلاعات اجتماعی راجع به قبیله قریش دست یافت. ابن حبیب با ذکر اخباری، پرده از زشتی‌ها و لغزش‌های بزرگان قریش برمی‌دارد که از جمله آن‌ها یاد از صحابه و فرزندان آن‌ها است که به خاطر سرقت دست خود را از دست داده^۵ و یا به علت شرب خمر حد خورده‌اند.^۶ مصحح در مقدمه المُنَمَّق اطلاعات و اخبار خاص و منحصر به فردی که در دیگر کتاب‌های مهم مانند طبقات ابن سعد، أنساب الأشراف، و أخبار مکه ازرقی و... دیده نمی‌شود، از امتیازات کتاب ابن حبیب ذکر کرده است.^۷

ابن حبیب در بیان روایات از راویان اندکی استفاده کرده و تا پایان کتاب به نقل روایت از همان چند

۱. ابن حبیب، همان، ۳۲۷.

۲. ابن حبیب، همان، ۹۱-۱۱۰؛ منافره به معنای فخرفروشی و به اصطلاح به معنای غلبه و پیروز شدن در مفاخره است. آیین‌وند و باصری، «بررسی سنت منافره در جاهلیت و بازتولید و پیامدهای آن در دوران اسلامی (باتکیه بر منافره‌های هاشمیان)»، ۱۱.

۳. آیین‌وند، «بررسی سنت منافره در جاهلیت و بازتولید و پیامدهای آن در دوران اسلامی (باتکیه بر منافره‌های هاشمیان)»، ۱۰.

۴. منافره نزد قاضی یا حاکم صورت می‌گرفت و نقره یا نافوره تعهدی مالی و جز آن بود که منفور به نافر می‌پرداخت. منافره بر خلاف مفاخره همراه با کراهت و نزد قاضی بود و چون نتیجه پیروزی یکی و مغلوب شدن دیگری بود، تبعاتی را به دنبال داشت. ابن منظور، لسان العرب، ۲۲۷/۵، آیین‌وند، «بررسی سنت منافره در جاهلیت و بازتولید و پیامدهای آن در دوران اسلامی (باتکیه بر منافره‌های هاشمیان)»، ۱۲.

۵. ابن حبیب، المُنَمَّق، ۴۲۰.

۶. ابن حبیب، همان، ۳۹۴-۴۰۰.

۷. ابن حبیب، همان، ۱۳-۱۴.

راوی بسنده کرده است. وی در المُنَمَّق در عناوین ارائه شده برای هر بخش به نام راویان مانند ابن کلبی، ابوالبختری، واقدی^۱ و... اشاره کرده که پیش از این درباره مراجع او سخن گفته شد. برخی از متأخران هم مانند یاقوت، ابن حجر، ابن اثیر و... از او نقل کرده‌اند. در المُنَمَّق بحث انسجام روایات در بیان خصوصیات خاندان قریش دیده می‌شود.

۲-۴-۲- سبک نقل روایت

بررسی محتوای روایات این دو کتاب از مهم‌ترین حوزه‌های بررسی و نقد تاریخی است. این بخش حضور مورخ در روایت‌های تاریخی و کاربرد عامدانه او از اخبار تاریخی را به اهل تاریخ نشان می‌دهد.^۲ نقد درونی روایت بر بیان موارد قوت و ضعف روایت‌ها، مطابقت روایت‌ها با معیارهای عقلی، کشف حقیقت و... است. مباحثی که ابن حبيب در این دو کتاب انتخاب کرده است، اطلاعات اصلی او در مورد نسب و نام افراد و اماکن به‌ویژه تاریخ دوره جاهلی است.

به سبب اختصاص حجم بیشتر المُنَمَّق به خاندان قریش و دوران جاهلیت و ارائه اخبار و روایت وقایع می‌توان کتاب را در حوزه اخبار و روایات تاریخی مربوط به قریش در پیش از اسلام مهم دانست و از این منظر اثر او را در بازنمایی جایگاه و نقش قریش در منظومه فرهنگی، اجتماعی - قبیله‌ای دوره جاهلی نسبت به دیگر منابع مهم و ممتاز دانست. نکته مهم در نقد این اثر ابن حبيب آن است که ذهنیت و نظم تاریخی در آثار به‌جای مانده از او آشکار نیست و به همین دلیل آثارش در کل شکل جنگ‌نامه‌ای دارد. با توجه به جنبه ادبی کتاب، حوادث و مطالب هر قسمت به طور خلاصه آورده شده‌اند. کتاب شامل سرفصل‌های زیادی است و یا برای هر مطلب عنوان خاصی اختصاص یافته است. سعی همه نوشته‌ها بر برجسته کردن خاندان قریش، اقدامات، حوادث، افراد و داستان‌های مرتبط با این خاندان بوده است؛ بنابراین نمی‌توان به طور قطعی از آثار وی به فضای فکری سیاسی نویسنده پی برد. به این ترتیب، راوی خود را موظف دیده تا حوادث دوره اسلامی و جاهلیت را بیشتر مورد توجه قرار دهد. اشاره نویسنده در کتاب المُنَمَّق به فضائل ابن عباس، این چنین استنباط می‌شود که نویسنده از نظر فکری و سیاسی تحت فشار و یا متمایل به عباسیان است.

۲-۴-۳- روایت مطابق شیوه علمی عصر خود

جانب‌داری نکردن مورخ در بیان حوادث و گزینش روایات در کتاب المُنَمَّق گرایش‌های فکری مورخ و همچنین کوشش برای مشروعیت‌دادن به کتاب خود را نشان می‌دهد. مهم‌ترین روایتی که در این کتاب ذکر

۱. ابن حبيب، همان، ۱۲۹-۱۳۱؛ ۱۳۹-۱۴۲؛ ۱۵۴، ۱۶۰، ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۷۵.

۲. بختیاری، «تاریخ الخلفاء»، ۲۸.

شده و به لحاظ سوگیری و جانب‌داری مورد تردید است، در مورد فضائل ابن عباس است که حتی مؤلف اخبارالدولة العباسية نیز این موارد را ذکر نکرده‌اند؛ اما این‌گونه استنباط می‌شود که ابن حبيب برای اینکه بتواند کتاب خود را از آسیب حکومت دورنگه دارد و همچنین برای مشروعیت دادن به حکومت عباسیان، اقدام به ارائه این بحث کرده است.

ابن حبيب در المُنَمَّق با عنوان ذکر حلف الفضول به بیان این رخداد می‌پردازد. وی در این زمینه به بیان شعاری از ادبا مانند جاحظ پرداخته و حدود هفت صفحه را به این حادثه اختصاص داده که نزدیک به سه صفحه آن اشعار تشکیل داده‌اند.^۱ نکته قابل توجه اینکه ابن حبيب در مورد دو واقعه حلف الفضول و مطيبين دو بار سخن گفته، یک مرتبه در ابتدای کتاب بدون ذکر مراجع و یک بار در اواسط اثر که وقایع را از زبان راویان نقل کرده است.^۲

باتوجه به گزارش مختصر ابن حبيب، قبایلی که در دو اثر ابن حبيب نام برده شده با آثار دو مورخ دیگر یعنی ابن هشام و ابن سعد پیش از ابن حبيب اثر خود را تدوین کرده‌اند، مقایسه شد. نتیجه بررسی نشان می‌دهد ذکر نام شش بطن یا خاندان (بنی هاشم، بنی مطلب، بنی زهره، بنی تیم، بنی حارث و بنی عزی) در چهار اثر (المُنَمَّق و المَحَبَّر ابن حبيب و السیره النبوه ابن هشام و طبقات الکبری ابن سعد) نشان می‌دهد که ابن حبيب در نقل روایات اختلاف چندانی با دیگر منابع نداشته و امانت‌داری را رعایت کرده است. ابن حبيب همچنین نزدیک به ۲۰ صفحه^۳ این اثر خود را به نسب قریش و خاندانش اختصاص داده است.

۳- کتاب المَحَبَّر^۴

نسخه چاپی که مشخصات آن در پانویست آمده است، در این نوشته مورد استناد قرار گرفته است. لیختن شتیتز فهرست اَعْلَام مفصلی را در انتهای کتاب اضافه کرده است.

۳-۱- محتوای اثر

واژه مُحَبَّر از ریشه حَبَر گرفته شده که در زبان عربی به معنی کسی است که در جایی می‌نویسد و مُحَبَّر به معنای شعر نیکو است.^۵

این کتاب مجموعه‌ای از رساله‌های کوچک در موضوعات متنوع است که در آن اخبار تاریخی بسیار

۱. ابن حبيب، المُنَمَّق، ۵۲-۵۹.

۲. ابن حبيب، همان، ۵۰، ۵۲، ۱۸۶، ۱۸۹.

۳. ابن حبيب، همان، ۱۹-۳۸.

۴. ابن حبيب بغدادی. المَحَبَّر. به تحقیق ایلزۀ لیختن شتیتز، بیروت: دارالآفاق الجدیدة، بی تا.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ۱۵۷/۴.

با ارزش و منحصر به فردی از زندگی و مناسبات اجتماعی و تاریخی مسلمانان صدر اسلام یافت می‌شود. المَحَبَّر که گویا پس از المُنَمَّق نوشته شده و احمد فاروق مصحح کتاب در مقدمه آورده است که حدود نیمی از مطالب آن با المُنَمَّق مشترک است^۱ و به شناسایی افرادی که در حوادث مهم تاریخی نقش داشته‌اند، پرداخته و در ضمن شامل مباحثی از سیره پیامبر (ص) است. برخی از عناوین کتاب عبارت‌اند از:

مولد النبی (ص)، مؤاخاة، زنان پیامبر، غزوات و سرایا، اسامی بدریون، متخلفان در تبوک، نقبای پیامبر، کسانی از فرزندان انصار که نام محمد داشته‌اند، کسانی که در جاهلیت خوردن شراب را بر خود حرام کرده بودند، زنانی که پس از مرگ شوهر خود ازدواج نکردند، زنانی که بیش از سه شوهر کردند، مردانی که وقت ظهور اسلام ده زن داشتند، شاهان حمیر و کنده و غسان، اسامی اعدام‌شدگان از اشراف ... و

اطلاعات کتاب المَحَبَّر درباره زمان رخدادها با دیگر مورخان تفاوت‌هایی دارد که این موضوع استقلال ابن حبیب در نقل گزارش‌های تاریخی و یا بی‌دقتی او را نشان می‌دهد. از این تفاوت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

ابن حبیب تاریخ آغاز جنگ بدر را ۱۲ روز گذشته از جمادی‌الآخر ثبت کرده^۲ در حالی که واقعی ماه ربیع‌الاول سال ۱۳،^۳ غزوه سویق را ابن حبیب ۷ روز باقی‌مانده از ذی‌الحجه^۴ و واقعی ۵ شب گذشته از ذی‌الحجه^۵ و یا ابن حبیب غزوه احد را روز جمعه ۱۴ شوال^۶ و واقعی روز شنبه ۷ شوال^۷ و ... ثبت کرده‌اند. با توجه به اینکه واقعی پیش از ابن حبیب اقدام به تدوین اثر کرده خود کرده است، می‌توان گفت که ابن حبیب در نقل اخبار استقلال خود را داشته و توجهی به دیگر آثار در این زمینه نکرده است.

همانند اثر پیشین وی، کتاب دوره‌ای سیصدساله را پوشش داده است. در این کتاب بر خلاف المُنَمَّق بیشتر به دوره پس از ظهور اسلام توجه شده و علاوه بر وقایع دوران پیامبر اسلام (ص)، خلفای امویان و عباسیان تا دوران معتضد عباسی را ذکر کرده است (با توجه به تاریخ درگذشت ابن حبیب (د. ۲۴۵ق) به نظر

۱. ابن حبیب، المُنَمَّق، ۱۴.

۲. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۱۱۱.

۳. واقدی، المغازی، ۱/۱۲.

۴. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۱۱۱.

۵. واقدی، المغازی، ۱/۱۸۱.

۶. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۱۱۲.

۷. واقدی، المغازی، ۱/۱۹۹.

می‌رسد که گزارش‌ها از دوره متوکل تا معتضد را شاگردان وی به متن کتاب افزوده باشند. البته از دوره منتصر تا معتضد فقط مدت‌زمان خلافت هر یک از خلفا آورده شده است). درحالی‌که در المُنَمَّق از فضائل ابن عباس گزارش شده، در المَحَبَّر این سرفصل وجود ندارد و در سراسر متن کتاب هم در مورد فضیلت‌های ابن عباس مطلبی دیده نمی‌شود.

۲-۳- رویکرد روایی

ابن حبیب همانند المُنَمَّق در این اثر نیز روایات را بر مبنای اخبار و رخدادهای تاریخی گزینش کرده و همین گزینش‌ها ذهنیت وی را در نقل و انتخاب اخبار مشخص می‌کند. ابن حبیب در المَحَبَّر پیش‌زمینه‌ای از شرایط سیاسی نداشته است. هیچ اظهارنظری در این اثر وی همانند المُنَمَّق دیده نمی‌شود. دقیقاً همانند همان اثر وی روایات را بر مبنای ارائه اخبار رخدادها گزینش کرده و بنابر همین گزینش‌ها و ترتیب گزارش وقایع و حوادث می‌توان به ذهنیت وی دست‌یافت.

۳-۳- منابع ابن حبیب

ابن حبیب در المَحَبَّر کمتر به ذکر مراجع پرداخته است. وی تنها ۳۴ بار منبع اطلاعات خود را آورده که به نسبت تعداد موضوعات و حجم داده‌ها بسیار ناچیز است.^۱ بنابراین مراجع و منابع او را بیشتر از کتاب المُنَمَّق او می‌توان دریافت. باتوجه‌به اینکه المُنَمَّق پیش از المَحَبَّر نگاشته شده، مطالب المَحَبَّر در بسیاری از عناوین و موضوعات از المُنَمَّق گرفته شده است.^۲

به طور عمده دقیقاً همانند المُنَمَّق آثار ابن هشام کلبی^۳ بیشترین مرجع او بوده است. ابن حبیب از جمهره النسب ابن کلبی^۴ در این اثر خویش استفاده کرده و در مورد انساب منبع اصلی اوست. مشکل و دشواری دستیابی به منابع المَحَبَّر شیوه ارجاع و اسناد ابن حبیب است که در همه روایات منابع را ذکر نکرده و سلسله اسناد را نیاورده است.^۵ ابن حبیب ذکر اسناد گزارش‌ها را بر خود لازم ندانسته است.^۶

۴-۳- بررسی و نقد درونی راوی و روایت

نقد درونی در روایت مربوط به مضامین و مطالب است و اعتبار و وثاقت مضامین را بررسی می‌کند. در زمینه نقد درونی راوی هم به همه آنچه که در مورد راوی نهفته است، توجه می‌شود.

۱. شریعت‌نژاد، «منبع‌شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (متوفی ۲۴۵)»، ۵۷.

۲. ابن حبیب، المُنَمَّق، ۱۴.

۳. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۳، ۴ و ...

۴. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۱۳۵، ۱۸۶، ۲۲۱.

5. Lichtenstädter, I. (1939). Muḥammad Ibn Ḥabīb and His Kitāb al-Muḥabbar. Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland, 1, <http://www.jstor.org/stable/25201833>, pp. 19-20.

۶. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۴۳۵-۴۵۵.

۱-۴-۳- فهم علائق و انتظارات راوی

کتاب المَحَبَّر به لحاظ داده‌های تاریخی، بیشتر به رخدادها، وقایع و تاریخ دوره اسلامی اختصاص دارد. اخبار دوره صدر اسلام در آن بیشتر و جامع‌تر است. از منظر بررسی تاریخی مطالب سرفصل‌ها و عنوان‌ها بسیار است. در این کتاب نام افراد و قبایل آورده شده است.

در المَحَبَّر مطالب با نظم بیشتری از منظر ترتیب زمان رخداد پشت‌سرهم قرار گرفته‌اند، برای مثال خلفای راشدین، اموی و عباسی به ترتیب پشت‌سرهم ذکر شده‌اند، پس از آن هم دیگر مطالب به‌ویژه ذکر اسامی در مباحث مختلف (نام فرزندان پیامبران، نام کسانی که در جنگ صفین شهید شده‌اند (از جانب علی بن ابی طالب (ع) و معاویه) و مواردی از این دست)^۱ دسته‌بندی و تدوین شده‌اند. در المَحَبَّر نیز نشانی از سوگیری و تمایلات سیاسی دیده نمی‌شود، اما همانند المُنَمَّق آیات قرآن و اشعار در آن آمده است.

۲-۴-۳- ابعاد فرهنگی در المَحَبَّر

ابن حبیب در المَحَبَّر با عنوان (السنن التي كانت الجاهلية سنتها فبقی الإسلام بعضُها و أسقط بعضُها)^۲ به بیان آداب و رسوم عصر جاهلی مانند اینکه زنان حق ارث نداشتند^۳ نیز پرداخته است. این موارد در آن دوره مورد توجه دیگر مورخان نبوده و آن‌ها را در آثار معاصران وی یا پیش‌وایان از زمان حیات ابن حبیب نمی‌توان یافت. وی در این اثر از اصول فکری جاهلیت به سنت جار اشاره کرده است. چهار قبیله را همراه با نام افرادی^۴ که طبق این سنت به آن‌ها پناه داده شده است را نام برده است. تعارض در نقل زمان وقوع رخدادها، استقلال ابن حبیب در نقل گزارش‌های تاریخی را نشان می‌دهد. همچنین باید ذکر کرد که در عصر عباسیان نگارش آثاری در زمینه انساب برای رد شعوبیه و به‌ویژه تأکید بر نسب عباسیان رواج داشته است؛ بنابراین ابن حبیب به این مورد توجه کرده و در هر دو اثر خود به بحث انساب توجه خاصی داشته است.

۳-۴-۳- هماهنگی - همخوانی با روایات هم‌عصر

ابن حبیب در المَحَبَّر به هنگام بیان حوادث و وقایع دوره اسلامی به‌ویژه در مورد دوره پیامبر (ص) و در بحث خلفای راشدین، اموی و عباسی به بیان نسب خلفا و مدت خلافت اکتفا کرده و در مواردی معدود

۱. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۳۸۶-۳۹۴.

۲. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۳۰۹.

۳. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۳۲۴.

۴. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۲۴۶-۲۵۳.

به بیان حوادث دوران خلافت پرداخته و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد بیشتر به شناسایی و نام‌بردن از افراد و نسب آنانی که در تاریخ اسلام نقشی (هرچند جزئی) داشته‌اند، اکتفا شده است.

۵-۳- سبک نقل روایت

همان‌طور که بیان شد، در المَحَبَّر گرایش‌های فکری و سیاسی مورخ دیده نمی‌شود، حتی نویسنده در بیان حوادث دوره خلافت عباسیان در ارائه روایات و اخبار تفاوتی با دوره خلفای راشدین یا دوره امویان نمی‌گذارد و دقیقاً مطالب را به یک شیوه (برای مثال بیان سلسله نسب خلفا، مدت خلافت، سال درگذشت و...) گزارش می‌کند. تناقض موجود در این دو اثر را می‌توان به دلیل جمع‌آوری و تدوین کتاب‌ها توسط شاگردان وی دانست. به‌عنوان نمونه ابن حبیب در المَحَبَّر ابتدا ذیل عنوان (قبائل حلف الفضول) به بیان قبایلی که در حلف الفضول شرکت داشتند، اشاره کرده و قبایل را نام‌برده و پس از آن بدون عنوان‌بندی به شکل کوتاه به علت این واقعه می‌پردازد.^۱

۶-۳- نقد بیرونی روایت

۱-۶-۳- روایت مطابق شیوه علمی عصر خود

ابن حبیب در هر دو اثر خویش به شیوه نقلی - روایی به بیان وقایع، نام و نسب افراد، اماکن، قبایل و ... پرداخته است. حوزه کاری وی نقل روایت از راویان و اساتید پیش از خود و ارجاع اصالت روایت به آنان است که شیوه‌ای مرسوم میان عالمان و مورخان در طی چندین سده و مورد استفاده در چندین حوزه علمی از جمله تاریخ بوده است.^۲ در این دوره اخبار تاریخی در نسب‌نگاری‌ها وارد شد که انگیزه ابن حبیب در آثار خویش برای وارد کردن اخبار تاریخی به انسابی که در مورد آن‌ها سخن گفته است، ساختار قبیله‌ای و توجه به نسب در نظام قبیله‌ای بوده است، به‌ویژه در منافرات که پیش‌ازاین اشاره شد نسب نقش بسیار مهمی داشت.^۳ مورخان پس از ابن حبیب مانند طبری و بلاذری، به سبب اینکه ابن حبیب تنها به نقل روایات پرداخته و بحث و جستجویی نداشته است، به آثار وی توجهی نکرده‌اند.

۲-۶-۳- اعتقادات و گرایش‌های فکری و عقیدتی راوی در نقل روایت

در مورد مذهب ابن حبیب، حمید الله در پایان کتاب المَحَبَّر با عنوان کلمه الختام ذکر کرده که گمان می‌کنم او به شیعه تمایل دارد، به استناد اینکه وی نام عایشه و ابوبکر و عمر را با عبارت «رحمه‌الله» و نام خدیجه و علی (ع) را با «رضی‌الله‌عنه» همراه کرده،^۴ نگارندگان به بررسی این موضوع پرداخته و با بررسی دقیق‌تر می‌توان گفت که این مورد تنها در کتاب المَحَبَّر صدق می‌کند نه در کتاب المُنْتَق که در ادامه دو

۱. ابن حبیب، المَحَبَّر، ۱۶۷.

۲. بختیاری، «تاریخ الخلفاء»، ۲۷/۱.

۳. نک: تقوی، محمد و علی بیات، «ورود اخبار تاریخی به انساب‌نگاری‌های دوره اسلامی تا پایان سده سوم هجری: مراحل و انگیزه‌ها»، تاریخ‌تمدن اسلامی ۱۳، ش ۲۶ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶): ۳-۲۴.

۳۹۶ - ۳۷۳ - ۳۶۳			
-----------------	--	--	--

حمید الله صرفاً به استناد آوردن عبارت «رحمه الله» پس از نام صحابه شاخص از جمله ابوبکر، عایشه و عبارت «رضی الله عنه» پس از نام خدیجه و علی (ع)، دعوی شیعی بودن ابن حبیب را کرده است؛ لذا این دو اثر به لحاظ آوردن عبارت‌های «رحمه الله» و «رضی الله» پس از نام خدیجه، عایشه، ابوبکر، عمر بن خطاب، علی بن ابی طالب (ع) و عثمان بررسی شدند.

تحلیل آماری داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که ابن حبیب در المُنَمَّق عبارت «رحمه الله» را پس از نام اصحاب شاخص و عبارت «رضی الله» را پس از نام همه افراد آورده است. در کتاب المَحَبَّر نیز بررسی‌ها نشان داد که عبارت «رحمه الله» با تکرار بیشتر برای همه افراد به غیر از علی بن ابی طالب (ع) و خدیجه (س) و عبارت «رضی الله» با تکرار بیشتر برای علی بن ابی طالب (ع) و در مورد همسران پیامبر (ص) - عایشه و خدیجه - برای خدیجه با تکرار بیشتری آمده است؛ بنابراین با استناد به متن دو کتاب نمی‌توان به طور قطع در مورد شیعه بودن نویسنده نظر داد. اما با توجه به آمار ارائه شده استنباط می‌شود، او به حضرت علی (ع) و حضرت خدیجه (س) به سبب شاخص بودن احترام بیشتری قائل بوده است.

نتیجه‌گیری

ابن حبیب روایتی تاریخی از وقایع و رخداد‌های عصر جاهلی، قبیله قریش و وقایع صدر اسلام را با ارائه سلسله اسناد در آثار خویش آورده است. به دلیل جامعیت دو کتاب المُنَمَّق و المَحَبَّر نسبت به دیگر آثار وی روایت او از عصر جاهلی شبه جزیره عرب و دوران آغازین اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بحث شیوه علمی وی از اساتید خود به طریق شنیداری و یا مکتوب و یا حضور در جلسات بحث آن‌ها استفاده کرده و وقایع را آورده است. شاگردش نیز (ابی سعید سگری) علاوه بر شنیده‌های خود، سیاهه‌های استاد را جمع‌آوری و تدوین کرده است.

در بحث محتوایی، بخش زیادی از مطالب المُنَمَّق در المَحَبَّر با اندکی تغییرات آمده است. در المُنَمَّق بحث تاریخ قبیله قریش و دوره جاهلیت و در المَحَبَّر نیز مطالب تاریخ اسلام به ویژه دوران پیامبر (ص) و در خصوص خاندان قریش غلبه دارد. از مهم‌ترین شاخصه‌های این آثار بیان روایاتی است که در منابع دیگر دیده نمی‌شود و یا مطالب کتاب‌هایی بوده که از بین رفته‌اند به ویژه مطالبی که از دوره جاهلیت و به نقل از ابن هشام آورده است.

آثار وی بیشتر در زمره کتب انساب و ادب قرار می‌گیرند. هیچ‌گونه داوری در بیان روایات دیده نمی‌شود، در حقیقت ابن حبیب این دو اثر خود را صرفاً به شکل نقلی نگاشته است و می‌توان گفت که وی در

گزینش و نقل روایات سلیقه‌ای عمل کرده است. همه این موارد در عناوینی که استفاده شده قابل بررسی است.

به نظر می‌رسد که ابن حبيب علاقه بسیاری به بیان فرهنگ و آداب و رسوم داشته است؛ بنابراین اینکه وی فقط اخبار را بدون هیچ توضیح، نقد و یا بررسی و ارائه نظر شخصی روایت کرده است، نشان می‌دهد که در نظر نداشته تا نظرات و دیدگاه‌های خویش را در تاریخ‌نگاری خود وارد کند و فقط به نقل صرف اکتفا کرده است و البته در این روایت صرف، به گزینش رخداد‌های تاریخی به‌ویژه درباره خاندان قریش و دوران جاهلیت پرداخته است.

به این ترتیب این دو اثر به لحاظ نقل صرف روایات می‌تواند برای خوانندگان کسل‌کننده باشد. اما به‌عنوان یک دایرة‌المعارف یا لغت‌نامه و همچنین کسب اطلاعات در حوزه تاریخ اجتماعی دوره جاهلیت می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.

همچنین در آثار وی جانب‌داری، تمایلات فکری و مذهبی (به جز چند مورد جزئی) نمونه‌ای یافت نمی‌شود. آثار ابن حبيب در بردارنده اخبار و اطلاعات اجتماعی - فرهنگی به شیوه جنگ‌نامه‌ای است. از روش‌های تاریخ‌نگاری وی عدم اطلاع دقیق نسبت به جزئیات وقایع و رویدادها، تنوع در عنوان‌بندی و عدم تدوین کار به شیوه سال‌شمارانه است. در مورد مذهب ابن حبيب نیز که به نقل از حمید الله منتسب به تشیع شده است، نگارندگان بررسی آماری و محتوایی کرده و در نتیجه بررسی‌های محتوایی آثار این مطلب را تأیید نکرد.

فهرست منابع

ابن حبيب بغدادی، ابوجعفر. المَحَبَّر. به تحقیق ایلزة لیختن شتیر. بیروت: دارالآفاق الجدیدة، بی تا.
ابن حبيب بغدادی، ابوجعفر. المُنَمَّق فی اخبار قریش. به تحقیق خورشید احمد فاروق. بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

ابن قاضی شهبه، تقی‌الدین. تراجم طبقات النحاة و الغویین و المفسرین و الفقهاء. بیروت: دارالعربیة للموسوعات، ۱۴۲۸.

ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. به تصحیح جمال‌الدین میردامادی. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.

ابن هشام، عبدالملک. السیرة النبویة. بیروت: دارالمعرفة، بی تا.

ابوالفرج الاصفهانی، علی بن الحسین. الاغانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵.

آذرنوش، آذرتاش. «ابن حبیب، ابوجعفر». در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم بجنوردی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ۱۳۸۷.

آیینه وند، صادق و وحید باصری. «بررسی سنت منافقه در جاهلیت و بازتولید و پیامدهای آن در دوران اسلامی (باتکیه بر منافره‌های هاشمیان)». مطالعات تاریخ اسلام ۵، ش. ۱۸ (پاییز ۱۳۹۹): ۷-۲۸.

بختیاری، شهلا. «تاریخ الخلفاء». نقد در تراز جهانی نقدنامه کتب در تراز جهانی. به کوشش سید حسین حسینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۱۳۹۴.

تقوی، محمد و علی بیات. «ورود اخبار تاریخی به انساب نگاری‌های دوره اسلامی تا پایان سده سوم هجری: مراحل و انگیزه‌ها». تاریخ تمدن اسلامی ۱۳، ش ۲۶ (پاییز و زمستان ۱۳۹۶): ۳-۲۴.

جعفریان، رسول. منابع تاریخ اسلام. تهران: نشر علم، ۱۳۹۳.

خطیب بغدادی، احمد بن علی. تاریخ بغداد. به تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۷. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد. الانساب. به تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی. حیدرآباد: مجلس دائرةالمعارف العثمانیه، ۱۳۸۲.

سیوطی، جلال‌الدین. المزهرة فی العلوم واللغة و انواعها. بیروت: مكتبة العصرية، ۱۴۰۶.

سیوطی، جلال‌الدین. بغية الوعاة. به تصحیح احمد الخانجی. مصر: سعادة بالجوار محافظة مصر، ۱۳۲۶. شریعت‌نژاد کیاسری، عطیه؛ عالم‌زاده، هادی؛ فرهمند، یونس و معصومعلی پنجه. «منبع‌شناسی آثار تاریخی ابن حبیب بغدادی (متوفی ۲۴۵)». پژوهش‌نامه تاریخ اسلام ۱، ش ۳۹ (پاییز ۱۳۹۹): ۵۱-۷۰.

صالحی شامی، یوسف. سبیل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد. به تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴.

صفدی، صلاح‌الدین خلیل. الوافی بالوفیات. به تحقیق احمد الارناووط و تزکی مصطفی. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.

عبد مشالی، علی. «ابن حبیب البغدادی (ت: ۲۴۵ هـ / ۸۵۹ م) دراسة فی منهجة و مآثره «كتاب المُنْمَق مثالا»». القادسیة فی الآداب و العلوم التربویة ۱۵. العدد ۱ (۲۰۱۶): ۷۵-۱۱۸.

فروخ، عمر. تاریخ الادب العربی الاعصر العباسیة. بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۶۸.

مسعودی، ابوالحسن علی مسعودی. مروج الذهب و معادن الجواهر. به تحقیق اسعد داغر. قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹.

واقدی، محمد بن عمر. المغازی. به تحقیق مارسدن جونز. بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۹۸۹/۱۴۰۹.

یاقوت حموی. معجم الادباء او ارشاد الاریب الی معرفة الادیب. به تحقیق احسان عباس. بیروت: دارالغرب اسلامی. ۱۹۹۳.

Della Vida, G. Levi. "Muhammad ibn Habibs "MATRONYMICS OF POETS" ", Journal of the American Oriental Society V62. No.3. (1942:156-171).

(<https://doi.org/10.2307/594132>). https://engagedscholarship.csuohio.edu/clmlang_facpub/145

Lichtenstädter, I. "Muḥammad Ibn Ḥabīb and His Kitāb al-Muḥabbar". Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. N.1. (1939):1-27. <http://www.jstor.org/stable/25201833>.

Tayyara, Abed el-Rahman. "Ibn Ḥabīb's Kitāb al-Muḥabbar and its Place in Early Islamic Historical Writing"(2018). World Languages, Literatures, and Cultures Faculty Publications. 145. https://engagedscholarship.csuohio.edu/clmlang_facpub/145

Transliterated Bibliography

‘Abd Mashālī, ‘Alī. "Ibn Ḥabīb Baghdādī (dead 245 A.H./ 859 A.D.)". Dirāsa fī Manhaja wa Mawtaradih (Kitāb al-Munammaq Mathalā". *Qādisīyah fī al- Ādāb wa al- ‘Ulūm al-Tarbūya* 15. No. 1(2016): 75-118.

Abū al-Faraj al-Iṣfahānī, ‘Alī ibn Ḥusayn. *al-Aghānī*. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Tūrāth al-‘Arabī, 1995/1415.

Āyīnihvand, Ṣādiq va Vaḥīd Bāṣirī. "Barrisī Sunnat Munāfarah dar Jāhliyat va Bāztūlīd va Payāmad-hā-yi ān dar Durān-i Islāmī (bā Takīdih bar Munāfirih- hā-yi Hāshimīyān)". *Muṭālī‘āt-i Tārīkh Islām* 5, no. 18 (autumn 2021/1399): 7-28.

Āzarnūsh, Āzartāsh. "Ibn Ḥabīb, Abū Ja‘far". dar *Dā‘ira al-Ma‘ārif Buzurg Islāmī*, zīr nazar Khāzīm Bujnūrdī. Tehran: Markaz Dā‘ira al-Ma‘ārif Buzurg Islāmī, 2009/1387.

Bakhtiyārī, Shahlā. "Tārīkh Khulafā' ". *Naqd dar Tarāz Jahānī Naqdnānah Kutub dar Tarāz Jahānī*. ed. Sayyid Ḥusayn Ḥusaynī. Tehran: Pazhūhishgāh ‘Ulum Insānī va Muṭālī‘āt Farhangī, 2016/1394.

Farrūkh, ‘Umar. *Tārīkh al-Adab ‘Arabī al-‘Aṣr al-‘Abāsīya*. Beirut: Dār al-‘Ilm li-l-Malāyīn, 1968.

Ibn Ḥabīb Baghdādī, Abū Ja‘far. *al-Muḥabbar*. researched by Ilse Lichtenstadter. Beirut: Dār al-Āfāq al-Jajīda, s.d.

Ibn Ḥabīb Baghdādī, Abū Ja‘far. *al-Munammaq fī Akhbār Quraysh*. researched by

- Khūrshīd Aḥmad Fāriq. Beirut: 'Ālim al-Kutub, 1985/1405.
- Ibn Hishām, 'Abd al-Malik. *al-Sīra al-Nabawīya*. Beirut: Dār al-Ma'rifa, s.d.
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. *Lisān al-'Arab*. ed. Jamāl al-Dīn Mirdāmādī. Beirut: Dār al-Fikr li-l-Ṭibā'a wa-al-Nashr wa al-Tawzī' -Dār Šādīr, 1994/1414.
- Ibn Qāḍī Shuhbah, Taqī al-Dīn. *Tarājum Ṭabaqāt al-Nuḥāh wa al-Lughawīyīn wa al-Mufasirīn wa al-Fuqahā'*. Beirut: Dār al-'Arabī li-l-Mūsū'āt, 2007/1428.
- Ja'farīyān, Rasūl. *Manābi' Tārīkh Islām*. Tehran: Nashr-i 'Ilm, 2015/1393.
- Khaṭīb al-Baghdādī, Aḥmad ibn 'Alī. *Tārīkh-i Baghdād*. Researched by Muṣṭafā 'Abd al-Qādir 'Aṭā'. Beirut: Dār al-Kutub-i al-'Ilmīyya, 1996/1417.
- Mas'ūdī, Abū al-Ḥasan ibn 'Alī. *Murūj al-Dhahab wa Ma'ādin al-Jawhar*. Ed. As'ad Dāghar, Qum: Dār al-Hijrah, 1989/1409.
- Šafādī, Šalāḥ al-Dīn Khalīl. *al-Wāfi bi al-Wafayāt*. Researched by Aḥmad al-Arnāwuṭ wa Tazakī Muṣṭafā. Beirut: Dār Iḥyā' al-Tūrāth al-'Arabī, 1999/1420.
- Šālīḥī Shāmī, Yūsuf. *Subul al-Hudā wa al-Rashād fī Sīra Khayr al-'Ibād*. Researched by 'Ādil Aḥmad 'Abd al-Mawjūd wa 'Ali Muḥammad Mu'awaḍ. Beirut: Dār al-Kutub-i al-'Ilmīyya, 1994/1414.
- Sam'ānī, Abū Sa'īd 'Abd al-Karīm ibn Muḥammad. *al-Ansāb*. Researched by 'Abd al-Raḥmān ibn Yahyā al-Mu'alimī al-Yamānī. Ḥīdar Ābād: Majlis Dāyrah al-Ma'ārif al-'Ūthmānīya, 1693/1382.
- Sharīa't nzhād Kīyāsārī, 'Aṭīyih; 'Ālimzādih, Hādī; Farahmand, Yūnus va Ma'sūm 'Alī Pamjih. "Manba'shināsī Āṣār Tārīkhī Ibn Ḥabīb Baghdādī(dead 245 A.H.)". *Pazhūhishnāmah Tārīkhī Islām* 1, no. 39 (autumn2021/1399): 51-70.
- Suyūtī, Jalāl al-Dīn. *al-Muzhir fī 'Ulum al-Lughā wa Anwā' hā*. Beirut: Maktaba al-'Aṣṭīyah, 1986/1406.
- Suyūtī, Jalāl al-Dīn. *Bughya al-Wu'āa*. ed. Aḥmad al-Khānjī. Miṣr: Sa'āda bi-al-Jawār Muḥāfiẓa Miṣr, 1908/1326.
- Taqavī, Muḥammad va 'Alī Bayāt. "Vurūd Akhbār Tārīkhī bi Ansābnigārī-hā-yi Durīh-yi Islāmī tā Pāyān-i Sadih-yi Sivūm A.H.: Marāḥil va Angīzih-hā". *Tārīkh*

بختیاری، مضمولى پيله رود؛ بررسى انتقادى آثار ابن حبيب، با تأكيد بر المُنْمَق و المَحْبَر / ١٤١

Tamadun Islāmī 13, no. 26 (autumn and winter 2018/1396): 3-24.

Wāqidī, Muḥammad ibn ʿUmar. *al-Mghāzī*. Researched by Marsden Jones. Beirut: Mūʿassisa al-Aʿalamī, 1989/1409.

Yāqūt Ḥamawī. *Maʿjam al-Udabāʾ au Irshād al-Arīb ilā Maʿrifa al-adīb*. Researched by Iḥsān ʿAbās, Beirut: Dār al-Gharb Islāmī, 1993.